



محمد جواد نمینی، دارنده رتبه نخست آسیا در حوزه توسعه پایدار انرژی با وجود بی‌مهری مسئولان، دست‌رد به سینه سرمایه‌گذاران خارجی زد

۵۴

همه جوره پای وطن



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

باشگاه ورزش‌های رزمی محله کوی امیرالمؤمنین (ع) جایی است که نوجوانان هدف خود را پیدا می‌کنند

مکانی برای ساختن
قهرمانان فردا

۶



خیابان یاسمن ۱۱ محله سجاد، سال‌هاست رنگ روکش آسفالت را به خود ندیده است

۲

مشکل هرروزه
دست‌وپنجه نرم‌کردن با چاله‌ها

مراسم تجلیل و گرامیداشت شهیدسید محمد اتحادی در محله عبدالمطلب برگزار شد
خانواده شهید، آبروی محله

۷



خیابان یاسمن ۱۱ محله سجاد، سال هاست رنگ روکش آسفالت را به خود ندیده است

مشکل هرروزه دست و پنجه نرم کردن با چاله ها

چاله های حادثه آفرین برای سالمندان

گوشه به گوشه این معبر چاله ها و نا همواری هایی ایجاد شده؛ بعضی از آن ها کوچک است و کم عمق ولی بعضی از آن ها می تواند جلوبندی خود را هم خراب کند. خیابان تکه تکه شده و جای سالم به سختی در آن پیدا می شود؛ البته که در قسمتی از خیابان هم خودروها پارک شده اند و خرابی معبر زیر آن ها پنهان شده است. علیرضا عبداللهی، گودی های بزرگ ترا که وسط کوچه قرار دارد، نشانمان می دهد و می گوید: ساکنانی که سن و سال بیشتری دارند، شب ها جرئت نمی کنند از خانه بیرون بیایند. چند باری شده که سالمندان یا بچه ها اینجای زمین خورده اند و پایشان آسیب دیده است، اما هیچ کس پاسخگو نیست.

روکش آسفالت، نیاز قدیمی معبر

اولین صحبت محمد تقی باقریان، یکی دیگر از ساکنان، درباره این است که بالکه گیری، مشکل آسفالت این خیابان برطرف نمی شود و اینجانبان به روکش آسفالت دارد. او در ادامه می افزاید: ساکنان این محدوده بیشترین عوارض را پرداخت می کنند و انتظار دارند شهرداری بیشتر با آن ها همکاری کند. ما حدود ۲۵ سال است که اینجای ساکن هستیم ولی حتی یک بار اینجانبان روکش آسفالت به خود ندیده است. به گفته او این معضلات در اکثر کوچه های خیابان یاسمن دیده می شود، ولی این معبر بیشترین مشکل را دارد. می گوید: همه تلاشمان این است که با شهرداری همکاری کنیم و توقعمان این است که وقتی به شهرداری مراجعه می کنیم، بیشتر از این پیگیر رفع مشکلات باشند. سعید مهدی زاده به استشهادهای اشاره می کند که از ساکنان این کوچه جمع کردند و توضیح می دهد: درخواست اهالی، روکش آسفالت برای این معبر است و پاسخ شهرداری به ما این بوده که بودجه تأمین نشده

است و قیر و آسفالت ندارند.

اوبه کنده کاری شرکت های مختلف مثل سازمان آب و گاز هم اشاره می کند و می گوید: سال گذشته شرکت آب اینجانبان برای تعمیر لوله ها کند، ولی پیمانکاران شرکت آب بدون آنکه زیرسازی درستی انجام دهند، فقط روی خاک آسفالت ریختند و رفتند. سال دیگر همین آسفالت خراب می شود و کلی مشکل جدید داریم. آسفالت دوباره معبر توسط سایر سازمان ها و شرکت ها باید زیر نظر شهرداری صورت بگیرد تا دچار این مشکلات نشویم.

چاله بزرگ حادثه ساز

انتهای معبر یاسمن ۱۱ به خیابان لاله ۱۰ می رسد. نیش این کوچه گودال بزرگی درست شده است که وقتی خود را از روی آن رد می شود، داخلش می افتد. مرجان طباطبایی که چند وقت پیش خود رویش در همین گودال گیر کرده است، می گوید: اول فکر کردم لاستیک ماشین پنچر شده است؛ وقتی پیاده شدم، فهمیدم که چرخ داخل این گودال افتاده است. تنها کاری که از طرف شهرداری انجام دادند، این بود که داخل چاله را با سنگ پر کنند و حالا برای عابران و رهگذران خطر جدی دارد.

روکش آسفالت، در اولویت نیست

مرتضی محمدی منش، رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه یک، درباره درخواست های مردمی می گوید: روکش آسفالت معابر بر اساس اولویت بندی انجام و توسط شهرداری مرکز مشخص می شود. در حال حاضر، معابر فرعی در این دسته قرار ندارند. محمدی منش در ادامه توضیح می دهد: همکاران ماطی هفته آینده از این معبر بازدید خواهند کرد و قسمت های مورد نظر لکه گیری و رفع خطر می شود.



صدرا هفته گذشته، یکی از ساکنان کوچه یاسمن ۱۱ طی تماس تلفنی با مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ از وضعیت چاله چوله های این معبر گله کرد و از مسئولان منطقه خواست به وضعیت این کوچه رسیدگی کنند. یک سالی هست که ساکنان این معبر استشهادهای تهیه کرده و به شهرداری منطقه برده اند؛ اما هنوز خبری از روکش آسفالت نیست و به قول ساکنان، هر گوشه این معبر می تواند برای عابر یا خودرو حادثه خیز باشد.

حوزه ترافیک در صدر جدول مشکلات منطقه ۱



تعداد پیام های مردمی

۱۶ تماس



حوزه فضای سبز

از بین تماس ها ۲ مورد مربوط به حوزه فضای سبز بود. در این تماس، شهروند به موضوع کمبود آب برای آبیاری درختان اشاره و درخواست کرد چمن وسط بولوارها مصنوعی شود تا آب برای آبیاری درختان باقی بماند. تماس بعدی نیز درباره شاخه های هرس شده درختان خیابان قائم (عج) بود که به حال خود رها شده و جمع نشده اند.



۱۳۷

شهرآرامش پیگیری می کند

صدرا هفته گذشته، شهردار منطقه یک به همراه معاون فنی و اجرایی و رئیس این اداره در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافت و بدون واسطه، به تماس های تلفنی شهروندان پاسخ داد.

شهرآرامش در هفته های آینده، ترافیک معبر فرعی خیام ۱۱ و مشکلات پیاده رو خیابان سناباد جلو بانک خون را پیگیری خواهد کرد.



حوزه ترافیک

۵ تماس در این حوزه برقرار شد. یک تماس به تردد موتورسوارها در پیاده روها و امنیت نداشتن عابران پیاده اشاره داشت. تماس بعدی مربوط به ترافیک کوچه اول خیابان خیام ۱۱ می شد که دلیل آن بن بست شدن کوچه بود. در تماس دیگر، به ترافیک خیابان مهندس به خاطر ادارات و شرکت ها اشاره شده و تقاضای شهروند این بود که به جای خانه های مسکونی به سایر بلوک های این محدوده نیز تجاری داده شود. مشکل ترافیک خیابان احمدآباد و فرعی های آن به دلیل حضور پزشکان و ترافیک سنگین تقاطع خیام و سجاد و درخواست پل روگذر از دیگر تماس های این حوزه بود.



درخواست های متفرقه

شکایت از تغییر کاربری ملک های مسکونی به کلینیک و مدرسه در خیابان ابوذرغفاری ۲۳ که سروصدا و مزاحمت ایجاد می کنند، استفاده از آب شرب در یکی از کارواش های منطقه و تماس مربوط به تقدیر و تشکر، از تماس های متفرقه با مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ بود.



حوزه خدمات شهری

۲ تماس مربوط به حوزه خدمات شهری بود. موضوع تماس اول، درخواست شهروند برای جانمایی صندلی های بیشتر در پیاده روهای معابر منطقه یک بود. تماس دوم نیز به مشکل تخلیه زباله و حضور کارتن خواب ها در زمین بایر بین یاسمن ۱۶ و ۱۸ اشاره داشت.



حال وروز خیابان اشکذری ۱۶
واقع در محله اسماعیل آباد هیچ خوب نیست

معابر خاکی در قرق زباله ها و معتادان

هم قدم

۲

حسین برادران فرایکی از معتادان کارتن خواب، سرش را تا کمرداخل گاری زباله فرو برده و مشغول جست و جو و پخش و پلا کردن زباله ها به داخل خیابان است. این اتفاق به صحنه ای تکراری و همیشگی در خیابان اشکذری ۱۶ یا همان خیابان شهید میرزادوستی تبدیل شده است. زباله های رها شده، معتادان کارتن خواب، آسفالت فرسوده و خاکی بودن تعدادی از معابر فرعی این خیابان، از مشکلاتی است که ساکنان آن مشغول پیگیری اش هستند.

تجمع و رها سازی زباله و نخاله

در تعدادی از کوچه های فرعی خیابان اشکذری ۱۶، از جمله کوچه های شهید میرزادوستی ۱۰۹، ۱۱۰، می توان زباله های رها شده را مشاهده کرد. نمونه این مشکل، در کوچه شهید میرزادوستی ۷ به وضوح دیده می شود.

در ورودی این کوچه، دیوارهای فرو ریخته و یک زمین رها شده وجود دارد که به محل تجمع و رها سازی زباله ها و نخاله های ساختمانی تبدیل شده است.

مریم کرمانی، مغازه دار ابتدای کوچه، می گوید: محوطه این زمین و دیوارهای فرو ریخته آن از مدت ها قبل به حال خود رها شده است و هیچ نظارتی بر آن وجود ندارد. موتورسوار ها و ماشین سوار های گذری، کیسه های زباله را داخل زمین خالی کرده و عبور می کنند. بعضی از همسایه ها نیز زباله ها را اطراف گاری و روی زمین پرتاب می کنند. به گفته او همیشه زباله های زیادی اطراف گاری بزرگ زباله شهرداری ریخته شده که منظره زشت و زننده ای در محله ایجاد کرده است. به گفته همسایه ها، افرادی به صورت شبانه، نخاله های ساختمانی و وسایل و لوازم کهنه و قدیمی را در این محل رها می کنند. کرمانی می افزاید: ما از شهرداری می خواهیم که برای پاک سازی و جمع آوری زباله های رها شده اقدام کند.



پاتوق معتادان کارتن خواب

در هر ساعت از شبانه روز که پایه این خیابان بگذارید، شاهد تردد افراد معتاد و کارتن خوابی خواهید بود که تلوتلو خوران در پی خرید مواد مخدر هستند. آن ها بدون توجه به موقعیت مسکونی خیابان و حضور شهروندان، در گوشه و کنار مخروبه هایی که به فراوانی در این محدوده یافت می شود، مشغول خرید و فروش و مصرف مواد مخدر هستند. نورا... ملازهی، یکی از ساکنان این خیابان، می گوید: معتادان کارتن خواب با وضعیت و ظاهری نامناسب، در خیابان به دنبال خانه مواد فروشان می گردند. گاهی تعداد آن ها به قدری زیاد است که زنان و کودکان ما جرئت بیرون آمدن از خانه را ندارند. دانش آموزان ساکن این خیابان هر روز مجبورند از میان این افراد خماریانشه عبور کنند؛ چه تضمینی وجود دارد که مورد آزار و اذیت یکی از آن ها قرار نگیرند؟

یکی دیگر از همسایه ها در تأیید این موضوع می گوید: معتادی که شیشه یا کریستال مصرف می کند، هرگز حالت طبیعی ندارد. چرا مسئولان کاری برای مانعی کنند؟ همسایه ها بارها شاهد بوده اند که آن ها سعی در نفوذ به داخل منازل و سرقت اموال داشته اند. ملازهی می افزاید: اگر یک ساعت خانه نباشی، خانه را خالی می کنند. بیشتر سرقت های محله، زیر سر همین افراد است.



کوچه های خاکی پر از گل ولای

با وجود آسفالت قابل قبول در بیشتر کوچه های فرعی خیابان اشکذری ۱۶، هنوز تعدادی از این معابر، مانند کوچه های شهید میرزادوستی ۹، ۷، ۱۰ و ۱۲ یا قافدا آسفالت و خاکی هستند یا آسفالت آن ها آن قدر قدیمی و فرسوده است که کارایی خود را از دست داده اند.

زهر احمدی، ساکن کوچه شهید میرزادوستی ۱۲، با اشاره به خاکی بودن و گرد و غبار زیاد این کوچه می گوید: هر وقت از میان این گرد و غبار عبور می کنم، تمام لباس ها و کفش هایم کثیف و خاکی می شود. تابستان ها از ترس همین گرد و غبار، جرئت نداریم یک لحظه پنجره خانه را باز کنیم. زمستان هم که می شود، با کوچک ترین باران یا برف، کوچه به باتلاقی از گل ولای تبدیل می شود. شما باور می کنید اینجا بخشی از شهر باشد؟

یکی دیگر از شهروندان، با نشان دادن آب های کثیف جمع شده وسط خیابان، می گوید: متأسفانه تجمع پساب خانگی رها شده در برخی کوچه ها، از جمله کوچه شهید میرزادوستی ۷، منشأ بسیاری از بیماری های پوستی و عفونی است.

احمدی می افزاید: سال گذشته و همین چند روز قبل، قسمتی از ورودی

خیابان اصلی از سوی شهرداری آسفالت شد، اما خبری از آسفالت معابر فرعی و خاکی خیابان نیست. امیدواریم شهرداری در روزهای آینده این کوچه ها را نیز آسفالت کند.

پیگیری می کنیم و اخطار می دهیم

مرتضی طهماسبی، رئیس اداره خدمات شهری منطقه ۲، درباره دیوارکشی زمین های مخروبه و رها شده خیابان شهید اشکذری ۱۶ توضیح می دهد: شهرداری اجازه دیوارکشی املاک شخصی را ندارد، اما پس از دادن اخطار ها و ارجاع پرونده به دادگاه، در صورت صدور رأی، دیوارکشی با بودجه شهرداری انجام و هزینه آن از مالک دریافت خواهد شد.

جمع آوری دوره های معتادان متجاهر

رئیس کلانتری سپاد در باره جولان معتادان در این محدوده می گوید: مابه صورت دوره ای، هفتگی و ماهیانه، برنامه جمع آوری معتادان متجاهر از محله اسماعیل آباد، به ویژه خیابان شهید اشکذری ۱۶ را اجرا می کنیم. حتی برخی از منازل مواد فروشان نیز پلمب شده است، اما این اقدامات دوامی ندارد و مواد فروشان بدون هیچ ترسی بازمی گردند و به کار خود ادامه می دهند.

جواد یعقوبی می افزاید: بیشتر معتادان کارتن خواب، ساکن این محله نیستند و از دیگر محلات می آیند. جمع آوری معتادان کافی نیست؛ باید همه خانه ها و پاتوق های معتادان در محله قلع و قمع شود.

در انتظار بودجه شهرداری

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۲ می گوید: شهرداری منطقه باتوجه به بودجه ای که در اختیار دارد، لکه گیری و آسفالت خیابان های محلات منطقه را انجام می دهد. هفته گذشته ورودی خیابان اشکذری ۱۶ آسفالت شد و لکه گیری معابر در محله اسماعیل آباد نیز انجام شده است.

رضا فضلیان درباره آسفالت خیابان های خاکی اشکذری ۱۶ می افزاید: در صورت تأمین بودجه، آسفالت این معابر تا پایان سال جاری انجام خواهد شد. در غیر این صورت، این پروژه در اولویت ردیف بودجه سال آینده قرار خواهد گرفت و آسفالت آن در نیمه اول سال ۱۴۰۵ اجرا می شود.



محمد جواد نمینی، دارنده رتبه نخست آسیا در حوزه توسعه پایدار انرژی با وجود بی‌مهری مسئولان، دست‌زد به سینه سرمایه‌گذاران خارجی زد

همه جوره پای وطن



۱

حمیده صفائی سالن بزرگ نمایشگاه بین‌المللی نوآوری و اختراعات آسیای میانه (INNOWEEK 2025) از بکستان، پراز نورهای سفید، غرفه‌های مدرن و صدای آرام دستگاه‌هایی است که هر کدام گوشه‌ای از آینده فناوری آسیا را نشان می‌دهد. در میان این هیاهو، جوانی اهل مشهد، با چهره‌ای آرام اما درونی آشفته، کنار طرحش ایستاده است. نگاهش کنج‌ها و میان‌غرفه‌ها و جمعیت حاضر می‌چرخد، اما ذهنش جای دیگری است: در کوچه‌های محله فلسطین و خانه‌ای که سال‌ها پیش، مادرش در آن دعا می‌خواند و پدرش دیگر در کنارشان نبود. همان جایی که کودکی‌اش را گذراند. اما رُیاها پیش را پرورش داد: درست مانند طرحی که امروز نام او را به عنوان یکی از نوآوران برتر آسیا مطرح کرده است. این گزارش، روایت زندگی محمد جواد نمینی است: جوان بیست و سه ساله‌ای که ایده‌ای برای تأمین انرژی طراحی کرده که می‌تواند مصرف گاز را تا هفتاد درصد کاهش دهد. این مسیر که با شکست، تنبیه و ناامیدی آغاز شد، مهرماه امسال به رتبه نخست آسیا و کسب عنوان «طرح طلایی توسعه پایدار انرژی در نمایشگاه بین‌المللی از بکستان» منجر شد.



پسری آرام، اما پرهیاهو

پدرش به خاطر سرطان تازه از دنیا رفته بود. مادر جوان مانده بود با سه فرزند و مسئولیت‌هایی که هر روز سنگین‌تر می‌شد. محمد جواد می‌گوید: پیش دبستانی رفتم. کلاس اول هم به خاطر بیماری پدرم به درستی به مدرسه نمی‌رفتم. شنیدن یک جمله در همان روزها تکانش داد، جمله‌ای از زبان مدیر مدرسه: «این بچه به درد این مدرسه نمی‌خورد. باید اخراجش کنیم.» مادر، با چشمانی خیس، حرفی زد که زندگی محمد جواد را تغییر داد: «از او املا بگیرد. اگر بیست نشد، اخراجش کنید.» و محمد جواد در این امتحان، نمره کامل را گرفت. این اتفاق شاید همان معجزه‌ای است که محمد جواد از آن سخن می‌گوید: «زندگی‌ام را مادیون امام رضا (ع) و دعای خیر مادرم هستم.» آن روز کسی فکر نمی‌کرد روزی همین کودک آرام، طراح سیستمی شود که رسانه‌های روسیه و آسیای میانه از آن بگویند.

از فوتبال تا کنکور

را با مادرش در میان گذاشت و گفت «کار مادر حوزه تولید سیستم‌های گرمایشی است؛ دوست دارم به دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای بروم و تحصیل کنم در همین زمینه‌ها باشد.» مادر که آینده و علاقه فرزندش برایش مهم‌تر از هر چیزی بود، مخالفت نکرد. محمد جواد کنکور داد، اما نه برای پزشکی؛ او به تأسیسات مکانیکی علاقه داشت؛ رشته‌ای که ظاهر ساده است، اما دنیای عظیمی در دل فناوری انرژی دارد. هرچند محمد جواد دیپلم تجربی با معدل ۱۹ داشت، باید برای ورود به دانشکده شهید منتظری مشهد، دیپلم یکی از رشته‌های فنی را می‌گرفت. او با مشقتی که خودش می‌گوید «از جنس مبارزه» بود، توانست دیپلم حرارت مرکزی و تهویه مطبوع را بگیرد. محمد جواد به دانشگاه رفت تا راه خودش را بسازد. او فقط یک دانشجو نبود. دوترم درس «استاتیک» را تدریس کرد و در طول تحصیل با همکاری استادانش کتابی نوشت.

در دوران نونهالی و نوجوانی علاقه اصلی‌اش فوتبال بود. از آن‌هایی بود که تا وقت خالی پیدامی‌کرد، پایه‌توپ می‌شد. آن قدر دنبالش رفت تا توانست به مسابقات انتخابی تیم ملی نونهالان برسد. هرچند مادر ترجیح می‌داد محمد جواد تمرکز بیشتری روی درس باشد، او دوست داشت مسیر ورزش را تجربه کند. در نهایت بعد از آسیب دیدن شدید زانویش با فوتبال خدا حافظی کرد. محمد جواد می‌گوید: اگر آن مصدومیت نبود، شاید امروز جایم در زمین چمن بود، نه وسط یک نمایشگاه علمی. سال کنکور رسید. محمد جواد شاگرد یکی از مدارس معروف غیرانتفاعی بود. روزها تا یازده ساعت درس می‌خواند. مادرش دوست داشت او را در لباس پزشکی ببیند، غافل از اینکه او علاقه‌ای به این رشته ندارد و می‌خواهد در شاخه‌های فنی فعالیت کند. سال آخر که برای کنکور آماده می‌شد، ماجرا

جرعه‌ای که از کارهای فنی بیرون آمد

سرمایه‌ای که از دوران کودکی برای فرزندان خانواده نمینی به جا مانده، نمایندگی فروش محصولات سرمایشی و گرمایشی است که توسط برادر محمد جواد حفظ شده است. این حرفه سبب شد او به کارخانه‌های تولید سیستم‌های گرمایشی سر بزند و با بررسی این سیستم‌ها متوجه پیشرفت علم در جهان شود. در کارخانه‌های تولیدات محصولات ایتالیایی، چیزهایی دید که آینده‌اش را تغییر داد.

او تعریف می‌کند: در کارخانه‌هایشان پکیج‌های هیدرونی، سیستم‌های روز اروپا با راندان‌های بالارادیم؛ مسیری که جهان به سمت آن می‌رود و ما هنوز با آن فاصله داریم. او حالامی‌دانست در کشورهای پیشرفته به جای گاز سوز بودن وسایل گرمایشی، به سمت هیدروژن، انرژی‌های ترکیبی و هوشمندسازی مدل مصرف رفته‌اند.

این جوان محله فلسطین می‌گوید: وقتی دیدم سیستم‌های جدید بدون وابستگی به گاز کار می‌کنند، فقط یک سؤال در ذهنم می‌چرخید: آمریکا و کانادایی که دویست روز آفتابی دارند و زاویه تابش پایین‌تری از کشور ما دارند، برای انرژی‌های جایگزین با راندان‌های بالاسرمایه‌گذاری می‌کنند، اما چرا ما که میانگین سیدر روز آفتابی داریم، هنوز از انرژی خورشیدی و فناوری‌های نوین حرارتی می‌تواند ۷۰ تا ۹۰ درصد نیاز گرمایشی و برقی



خندیدند.

اما او دست نکشید. یک سال تمام مطالعه کرد. طرح را چند بار از نو طراحی کرد. از شرکت‌های متفاوتی که می‌شناخت، مشورت گرفت. قطعاتی ساخت. سنسورها را برنامه‌ریزی کرد و در نهایت به طرح جامع و کاملی رسید که به هر مکان علمی و تولیدی در ایران ارائه کرد، آن را نپذیرفتند.

یک خانه را بدون اتکا به گاز شهری تأمین کند. این فکر روز به روز در ذهنش بیشتر رشد کرد که باید دستگاهی بسازد تا بتواند گرمایش خانه‌ها را تأمین کند، بدون اینکه چشم به لوله گاز بدوزد. ایده‌اش را به استادانش نشان داد. بعضی‌ها گفتند غیرممکن است. برخی گفتند در ایران جواب نمی‌دهد و بعضی‌ها هم

وقتی مدیران داخلی نمی بینند

اولین جایی که طرحش را پذیرفتند، نه دانشگاه خودش بود، نه زیست بوم های فناوری ایرانی و نه کارخانه های بزرگی که با انرژی سروکار دارند؛ بلکه اینوو یک ازبکستان، یک نمایشگاه بزرگ نوآوری در سطح آسیا، با دآوری سه مرحله ای، سخت گیرانه و خاص پسند، آن را پذیرفت و مشتاقانه از او دعوت کردند برای ارائه طرحش برود. ما چرا از یک نمایشگاه شروع شد. محمد جواد به همراه تیمشان برای عرضه دستگاه های گرمایشی به ازبکستان رفته بودند. در آنجا مسئول کشورهای فارسی زبان آژانس توسعه آسیای میانه، درباره انواع انرژی از محمد جواد سؤال پرسید. او هم به همه سؤالانش پاسخ داد. وقتی دلیل تسلط نمینی را بر این موضوع جویا شد، محمد جواد از طرحش برای او گفت. این طرح مورد توجه قرار گرفت و آن مسئول او را راضی کرد که طرحش را برای شرکت در مسابقات اینوو یک ازبکستان بفرستد.

باناترازی های انرژی طرح اهمیت پیدا کرد

کشور باناترازی شدید گاز و برق روبه ر بود؛ مصرف زیاد، زیر ساخت های فرسوده، یارانه ای که صنعت را از امکان نوآوری دور نگه داشته بود. در چنین شرایطی، طرح محمد جواد اهمیت پیدا کرد. این جوان محله فلسطین تعریف می کند: یک روز در جمع زیست بوم نوآوری شتاب درباره طرح صحبت می کردم و جواب های منفی ای که از اجرای آن گرفته ام، به دوستانم گفتم با اجرای طرح من در یک میلیون خانه، ۹۰۰ میلیون متر مکعب صرفه جویی خواهد شد که این یعنی بیش از ۱۹ هزار میلیارد تومان

درآمد در صورت صادر کردن همان مقدار گاز. یک نفر از آن جمع که اورانمی شناختم درباره طرحم سؤالاتی پرسید و در نهایت شماره تماسم را گرفت. بعد از آن دیدار از من دعوت کردند برای اجرای طرح در یکی از شهرستان های اطراف به صورت آزمایشی همکاری کنم. پیش از این خیلی اذیت شده بود، نه شنیده بودم، اما هیچ چیز به اندازه وطنم برایم مهم نیست. برای همین بی خیال آن همه اتفاق، با خوشحالی همکاری با آن ها را پذیرفتم.

طرح من جزو ۵ طرح برتر شد

محمد جواد که طرحش را بارها و بارها ارائه کرده و هر بار به بهانه ای رد شده بود، حالا قرار بود آن را در مسابقات بین المللی نوآوری و اختراعات آسیای میانه ارائه دهد. این بیشتر برایش شبیه یک شوخی بود تا واقعیت. او می گوید: سال گذشته طرح را فرستادم. سه مرحله دآوری سخت را پشت سر گذاشت و در میان بیست طرح برتر آسیا قرار گرفت. همان سال به من اصرار کردند به ازبکستان بروم و در نمایشگاه شرکت کنم، اما این موضوع برایم که همیشه جواب نه شنیده بودم، جدی نبود و با تمام اصرار مسئولان نمایشگاه به ازبکستان نرفتم. محمد جواد ادامه می دهد: یک هفته بعد از نمایشگاه تماس گرفتند و گفتند طرحم جزو پنج طرح برتر آسیا شده است. سال آینده مهمان ویژه آن ها هستم و حتما باید به نمایشگاه بروم. اما هنوز شک داشتم. می گفتم چرا طرح من؟!

از رفتن به ایتالیا باز ماندم

ما چرا برای او جدی نبود. به قول خودش طرحش را در کتابخانه گذاشته بود تا خاک بخورد. دیگر مهم نبود. چون به پیشنهاد دوستانش برنامه رفتنش را چیده بود و بالاخره توانست پذیرش دانشگاه پلی تکنیک میلان در کشور ایتالیا را بگیرد. او می گوید: قرار بود سال تحصیلی جدید در میلان باشم، اما جنگ دوازده روزه همه برنامه هایم را تغییر داد و مسیرم را بست. سفارتخانه ها تعطیل شدند، امتحان ها جابه جا شد و من ماندم و برنامه هایی که برای اجرای آن ها تردید داشتم.

شگفتی دنیا از جوان ایرانی

خنده از لبانش محو می شود و مکث می کند و ادامه می دهد: می دانستم حمایت آن ها از من، هرگز در ایران اتفاق نخواهد افتاد. حتی دانشگاهم نمی دانست من در این رویداد شرکت کرده ام؛ اما من وطنم را بیشتر از هر چیزی دوست دارم؛ پس تمام تلاشم را برای آبادانی آن می کنم. او می گوید: وقتی برگشتم، هیچ کس در دانشکده ام منتظر من نبود. اما آنجا را دوست دارم. برای همین اولین جایی که رفتم، دانشکده بود. با دیدن مدالم متعجب شدند و پرسیدند چرا به ما چیزی نگفتی. البته مهم تر از مدالی که کسب کردم، این بود که بالاخره مدیران حرف مرا شنیدند و امیدوارم فضا برای دانشجویان بعدی هموارتر شود. این روزها محمد جواد نمینی در حوزه ترکیب سامانه های خورشیدی و تجدید پذیر همکاری می کند تا مصرف انرژی را به حداقل برسانند و بین هفتاد تا نود درصد انرژی منازل را بدون وابستگی به گاز و برق شهری تأمین کنند.

طرح او برترین طرح سال ۲۰۲۵ در آسیا شد؛ طرح طلایی اینوو یک، همان شب اعلام نتایج، شبکه تلویزیونی سی بی سی کاسپین کشور روسیه با او مصاحبه کرد و خواستند درباره طرحش توضیح دهد. با آن مصاحبه همه چیز برای محمد جواد تغییر کرد؛ به ویژه وقتی عنوان شد ایران چهارمین کشور دنیاست که چنین فناوری ای را بومی سازی کرده است. محمد جواد توضیح می دهد: روال نمایشگاه این است که سرمایه گذاران بسیاری از کشورهای آمریکا، روسیه، ژاپن، آلمان و... حضور دارند تا برای طرح های برتر سرمایه گذاری کنند. بعد از مصاحبه درباره طرحم، کشورهای مختلف پیشنهاد های بسیاری دادند، اما جوابم یک جمله بود: نه؛ من در کشورم به اندازه کافی حمایت می شوم. محمد جواد که از ابتدای گفت و گو لبخند بر لب دارد و با انرژی جوانی صحبت می کند،



سعید و حیدری، استاد یار گروه مهندسی دانشکده شهید منتظری و رئیس گروه تأسیسات:

پشتکار، کلید موفقیت محمد جواد



او دانشجویی علاقه مند، پیگیر و منظم بود و همین ویژگی ها باعث می شد ارتباط بیشتری با استادانش برقرار کند. با دیدن اشتیاق و تلاش بی وقفه او، سعی کردم در حد توانم راهنمایی های لازم را ارائه کنم. ادب، پشتکار، انگیزه زیاد و نظم او نشان می داد که برای رسیدن به اهدافش مصمم است و همین علاقه زیادش مرا بر آن داشت که در این مسیر به او کمک کنم.

یکسان ارائه می شود، اما پیشرفت واقعی به انگیزه و تلاش هر فرد بستگی دارد که آقای نمینی این ویژگی را داشت. محمد جواد در این مسیر زحمات بسیاری کشید و با پشتکار زیاد به موفقیت های چشمگیری رسید.

محمد جواد از جمله دانشجویانی بود که علاوه بر تحصیل، در بازار کار نیز فعالیت داشت. با توجه به چالش های موجود در زمینه باناترازی انرژی در کشور، تصمیم گرفتیم با همکاری یکدیگر، به ویژه در حوزه ساختمان، گام های مؤثری برداریم و در این زمینه کار کنیم. در کلاس هایم، مطالب آموزشی برای همه دانشجویان

خراسان چی، مادر محمد جواد:

محمد جواد را به امام رضا (ع) سپردم



محمد جواد، آرام و مهربان، جدی و سمج است. پس از فوت پدرش، مثل یک مرد در کنار برادرش ایستاد و بچگی نکرد. همیشه با خودم فکر می کنم در آن روز هایی که باید در دنیای کودکان غرق می شد، بچگی نکرد. بعد از فوت همسر من به حرم امام رضا (ع) رفتم و گفتم من سه فرزند دارم، دو پسر و یک دختر. این بچه ها را به تومی سپارم. هر وقت می بینم بچه هایم در کاری مانده اند، پناهم حرم است. زمان دیپلم، ناگهان گفت پزشکی را دوست ندارم. با تعجب پرسیدم: چرا حالا می گویی؟ محمد جواد گفت فقط به خاطر تومی خوانم. گفتم: همیشه آرزویم این است که برای جامعه مفید باشی، نه اینکه حتما پزشک بشوی. وقتی می خواست به دانشکده شهید منتظری برود، دیپلم او را نپذیرفتند. پنج ماه در رفت و آمد بودیم تا توانست دیپلم فنی و حرفه ای را بگیرد. آن روزها، دل نگرانی دیگری هم داشتیم: مبادا محمد جواد را برای سربازی ببرند. این بار به امام زمان (عج) متوسل شدم و با همین توسل ها، گره از کارش باز شد.

محمد علی نمینی، برادر محمد جواد:

هیچ وقت دل سرد نمی شود



محمد جواد کارنامه درخشانی دارد که خودش گویای همه تلاش هاست. شش ساله بود که پدر را از دست دادیم. از همان روز، روی پای خودش ایستاد و هر چه به دست آورده، حاصل همت خودش است. او به خاطر پشتکارش، هیچ وقت دل سرد نمی شود. در هیئت مداحی می کند، کلاس های فرهنگی و امام شناسی برای بچه های محل برگزار می کند. همیشه به او می گویم: موفقیت هایت به لطف خداست. او همیشه پشت من است و هوای یکدیگر را داریم.

باشگاه ورزش های رزمی محله کوی امیرالمؤمنین (ع)، جایی است که نوجوانان هدف خود را پیدا می کنند

مکانی برای ساختن قهرمانان فردا

۲



راه تجربه

حسین برادران فراورده به باشگاه: آنچه بیش از همه جلب توجه می کند، مدال ها و نشان های رنگارنگی است که زینت بخش دیوارهاست. این گنجینه افتخارات اهداشده، شامل انواع مدال های استانی، کشوری و بین المللی و گویای تلاش بی وقفه ورزشکاران و مربیان است. باشگاه «رزمی کاران» بادر اختیار داشتن سه شعبه فعال در محلات کوی امیرالمؤمنین (ع)، نوید و کشف، نقش بسزایی در جذب نسل نوجوان و جوان به عرصه ورزش، کسب افتخارات در خشان و مصون سازی آنان در برابر ناهنجاری های اجتماعی ایفا کرده است.

باشگاهی در حاشیه شهر

رحمان ابراهیم پور، چهل ساله و ساکن محله کوی امیرالمؤمنین (ع)، از ورزشکاران موفق و مدال آور در رشته های بوکس، کیک بوکسینگ، کونگ فو و ووشو در یکی دو دهه گذشته است. او که به گفته خودش تا سی و پنج سالگی به عنوان مبارزی مدعی در عرصه های گوناگون مسابقات ورزشی حضور فعالی داشته، بنیان گذار و مؤسس باشگاه ورزشی رزمی کاران است.

ابراهیم پور ۱۰ سال پیش، اولین شعبه این باشگاه را با همکاری همسرش، نصرت ضری که او نیز از قهرمانان ورزش های رزمی است، در محله کوی امیرالمؤمنین (ع) افتتاح کرد.

او در این باره می گوید: باتوجه به موفقیت هایی که در عرصه مسابقات رزمی به دست آورده بودم، می خواستم برای نوجوانان محله ام و محلات محروم حاشیه شهر مفید باشم. من با آنان بزرگ شده و نوجوانان بسیاری رادیده بودم که به خاطر نداشتن مشغولیت، سرگرمی و هدف، به بیراهه رفته و تباه شده بودند. احساس می کردم باید وظیفه ام را به عنوان یک ورزشکار انجام دهم. بنابراین تصمیم گرفتم باشگاهی در همین محله تأسیس کنم. آقارحمان می افزاید: به عنوان یک جوان بی تجربه در امر مربیگری و مدیریت باشگاه، کار بسیار سختی درپیش داشتم. اما باتوکل بر خدا و حمایت های همسر که خود رزمی کار و مربی بود، ساختمان فعلی را اجاره و کارمان را آغاز کردیم. پس از اطلاع رسانی و تبلیغات، علاقه مندان بسیاری برای ثبت نام مراجعه کردند. مربیگری شاگردان پسر را خودم بر عهده گرفتم و آموزش دختر خانم هانیز تحت نظر همسرم انجام می شود.

مشکل ورزشکاران مملات
حاشیه نشین، کمبود استعداد یا
تلاش نیست؛ مشکل بزرگ آنان،
نداشتن حامی و پشتیبان مالی
است. شاگردانی داشتیم که به
فاطر مشکلات مالی، از راهیابی
به مسابقات بین المللی بازماندند

مشکلات مالی، سد بزرگ راه موفقیت

به گفته ابراهیم پور، مشکل ورزشکاران محلات حاشیه نشین، کمبود استعداد یا تلاش نیست؛ مشکل بزرگ آنان، نداشتن حامی و پشتیبان مالی است. اومی گوید: شاگردانی داشتیم که به خاطر مشکلات مالی و نداشتن حامی، از راهیابی به مسابقات بین المللی بازماندند. برخی فکر می کنند برای حضور در مسابقات، فقط چند روز تمرین برای موفقیت کافی است، اما این طور نیست. یک ورزشکار در این سطح از رقابت ها، به یک برنامه منظم ورزشی، حداقل دو سه ساعت تمرین روزانه، تغذیه مناسب و آرامش کامل روحی و روانی نیاز دارد.

آقارحمان ادامه می دهد: من بارها از شهریه باشگاه و حق الزحمه مربیگری خودم گذشتم، اما هزینه های دیگر مانند لباس فرم، تغذیه، بلیت سفر و هزینه های چند میلیونی ثبت نام در مسابقات را چگونه باید تامین کرد؟

نقش تربیتی ورزش

ورزش، گذشته از نقش حیاتی که در سلامت جسمانی نوجوانان و جوانان ایفا می کند، در تربیت، اجتماعی شدن و تخلیه انرژی های منفی نیز تأثیر دارد.

نصرت ضری، مربی باشگاه بانوان، در این باره

می گوید: یک ورزشکار در کنار یادگیری قوانین و فنون ورزشی، دستورات و قوانین اخلاقی رانیز می آموزد؛ اینکه نباید از قدرت خود سوء استفاده کند یا باعث آزار دیگران شود. حمایت از افراد ناتوان، از اصول پایه ای ورزش های رزمی است. به نظر او ورزش می تواند در کنار قهرمان پروری، انسان ساز نیز باشد و نوجوانان و ورزشکار به ندرت دچار ناهنجاری ها و معضلات اجتماعی مانند اعتیاد یا سارقیت می شوند. می گوید: شاید بسیاری از نوجوانان و جوانان تمایل چندانی به جدایی های صنفی و مذهبی نداشته باشند، اما از مسیر ورزش می توان آنان را به فعالیت های مذهبی و فرهنگی هدایت کرد. این تأثیر بین ورزشکاران نوجوان دختر، بارزتر است.

میدان دادن به دخترها

یگانه علی زاده یکی از دختران ورزشکار و موفق این باشگاه است. او نیز مدال های ورزشی بسیاری کسب کرده و چند مدال نیز به عنوان تشکر از مربی به باشگاه

تقدیم کرده است. علی زاده نقش باشگاه رزمی کاران را در دیده شدن توانایی دختران محله بسیار پررنگ توصیف می کند و می گوید: در محلاتی مثل محله ماکه تا حدودی سنتی و حاشیه شهری است، هنوز هم این اعتقاد که توانایی دخترها از پسرها کمتر است، وجود دارد. اما با میدان دادن و فضایی که توسط مربیان این باشگاه به ویژه خانم نصرت ضری، مربی خوب، برای من و دیگر دختران باشگاه ایجاد شد، توانایی های خودمان را شناختیم و ثابت کردیم که چیزی از پسرها کم نداریم. من بیشتر از سی مدال در مسابقات مختلف ورزشی کسب کرده ام. این موفقیت ها را مدیون حمایت و میدان دادن آقای ابراهیم پور و خانم نصرت ضری هستم.

موفقیت بچه ها، شیرین ترین جایزه

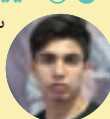
پس از چند ماه فعالیت و تمرینات سخت، باشگاه رزمی کاران برای اولین بار، چند تن از شاگردان خود را به مسابقات ورزشی استان اعزام کرد. این شاگردان با حضوری پر قدرت و موفقیت آمیز، چندین مدال و نشان رنگارنگ ورزشی کسب کردند که این امر، پشتوانه ای برای دلگرمی و خوشحالی مسئولان باشگاه شد.

آقارحمان می گوید: استعداد و علاقه ای که بین بچه های محلات محروم حاشیه شهر وجود دارد، اصلاً با بچه های ساکن محلات مرفه و برخوردار قابل مقایسه نیست. آن ها استعداد و اشتیاق فراوانی به ورزش های رزمی دارند، اما حمایت لازم از آنان صورت نمی گیرد. همه تلاش من در این ۱۰ سال، بر این اصل استوار بوده است که تاجایی که در توان دارم، از این نوجوانان حمایت کنم. موفقیت آنان برایم از هر درآمد و پولی شیرین تر بوده است.

به همین منظور، او برای حمایت و شکوفاسازی استعداد های جوانان حاشیه شهر، شعبه های دوم و سوم باشگاه رزمی کاران را در محلات نوید و کشف افتتاح کرده است.

تعیین هدف در زندگی

سید امیرحسین حسینی، یکی از شاگردان قدیمی باشگاه و دارنده چندین مقام استانی، کشوری و حتی بین المللی و ووشو در کشور است. نقش استاد رحمان ابراهیم پور را در پیدا کردن هدف زندگی برای شاگردانش بسیار مهم می داند و می گوید: خیلی از دوستانم و حتی خودم قبل آمدن به باشگاه، هدف مشخصی برای زندگی نداشتیم. اما با صحبت هایی که استاد بعد از اتمام جلسه و تمرینات با ما داشتند، روحیه مان تغییر کرد. ما حالا دیگر خیلی از کارهای قبل از باشگاه را انجام نمی دهیم و به جای اینکه آدم بی هدفی باشیم، هدف بزرگ و مشخصی داریم و برای آن تلاش می کنیم.





مراسم تجلیل و گرامیداشت شهید سید محمد اتحادی در محله عبدالمطلب برگزار شد

خانواده شهدا، آبروی محله

حسین برادران فراهم زمان با هفته بسیج، مراسم گرامیداشت یاد شهید سید محمد اتحادی در قالب طرح «آبروی محله» با مشارکت شورای اجتماعی محله عبدالمطلب، پایگاه بسیج مسجد فاطمه الزهرا^(س) و با حضور تعدادی از خانواده های ایثارگران، جوانان و اهالی محله در منزل شهید اتحادی برگزار شد.

● وظیفه امروز راویان جنگ

یکی از راویان و جانبازان جنگ تحمیلی با اشاره به ضرورت حفظ یاد و خاطره دلاوری های شهدا می گوید: باگذشت نزدیک به ۳۵ سال از پایان جنگ تحمیلی، بسیاری از مردم و شهروندان جوان، تجربه ای از وضعیت دشوار و سختی که رزمندگان و شهدا بآن رویه رو بودند، ندارند.

اینکه یک نفر از زحمندترین دارایی یعنی جانش را فدای آزادی، ناموس و کشورش کند، شایسته قدردانی است. شهدا و خانواده آن ها تاج سر و آبروی محله هستند. ما باید قدردان زحمات آن ها باشیم و این دید و بازدید ها حداقل کاری است که انجام می دهیم. محمد علی تقی زاده ادامه می دهد: این وظیفه ما بزرگ ترها و جنگ دیده هاست که آن روزها و رشادات ها را روایت کنیم و زنده نگه داریم.

او می افزاید: در جنگ دوازده روزه دشمن صهیونیستی، بخش کوچکی از آن دفاع جانانه و استقامت مردم شجاع ایران تکرار و زنده شد و همه فهمیدند که ما آرامش امروزمان را مدیون خون شهدا، جانبازان و ایثارگران هستیم.

● همراهی نوجوان ها و نسل جوان

پایگاه بسیج شهید اسما عیل دشتیان مسجد فاطمه الزهرا^(س) یکی از بانیان مراسم طرح، آبروی محله، در راستای بزرگداشت و تکریم شهدای محله عبدالمطلب است. جانشین رئیس این پایگاه می گوید: مراسم تکریم خانواده شهدا از چند ماه قبل در مناسبت های مختلف مانند هفته دفاع مقدس و هفته بسیج در حال برگزاری است.

حامد مهدوی می افزاید: شهید سید محمد اتحادی ششمین شهید محله است که مراسم بزرگداشت و تجلیل برایش برگزار کردیم. خانواده شهدای دیگر هم در محله ساکن هستند که فهرستی از آن ها تهیه شده است و مراسم بزرگداشت آن ها نیز در مناسبت های بعدی برگزار خواهد شد.

وی با اشاره به استقبال و علاقه جوانان و نوجوانان بسیجی محله



از این برنامه ها می گوید: نوجوانان انقلابی پایگاه، شور و حال زیادی برای حضور در این گونه مراسم دارند و داستان زندگی و فداکاری های شهدای محله برای آن ها جذاب و شنیدنی است. تهیه زندگی نامه شهدای محله به عنوان هویت و شناسنامه محله، ضروری و واجب است.

● ارتشی انقلابی

شهید سید محمد اتحادی به عنوان نیروی کادری ارتش از ابتدای جنگ در مناطق جنگی حضور داشت و سال ۱۳۶۶ در منطقه میمک به فیض شهادت رسید.

مریم تیموری، همسر شهید، با اشاره به روحیه انقلابی همسرش می گوید: شهید چند سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به استخدام ارتش درآمد و در لشکر ۷۷ به عنوان دژیان خدمت می کرد. روزی که انقلابیون به مقر لشکر حمله کردند، با وجود دستور فرمانده، هیچ گونه مقاومتی برابر آن ها نشان نداد و با بازکردن انبار اسلحه، انقلابیون را مسلح کرد.

سید محمد اتحادی در زمان شهادت سی و شش ساله و دارای دو دختر و دو پسر کم سن و سال بود. همسر شهید درباره اشتیاق او به شهادت می گوید: خیلی ها می گفتند به خاطر بچه های هم که شده در عملیات ها شرکت نکن. اما او به این حرف ها اهمیت نمی داد و سربازی همیشه آماده برای جنگ بود. در وصیت نامه اش نوشته بود که «شهادت را دوست دارم و مطمئن هستم که روزی شهید خواهم شد».

نوجوان رزمی کار محله ارشاد در کنار قهرمانی، استقلال مالی هم دارد

مدال آور عرصه ورزش و زندگی



شخصی را یاد می گیریم و هم آمادگی جسمانی خوبی پیدا می کنیم.

● در حال حاضر چه سبکی بازی می کنی و چه کمربندی داری؟

سبک من «لایت کنتاکت» است. مثل دیگر رشته های رزمی، سطح ورزشکاران باریک کمربند مشخص می شود. الان کمربند سبز دارم و اگر دو دوره دیگر را بگذرانم، کمربند مشکی می گیرم.

● چند تا از مهم ترین افتخارات را نام ببر.

اولین مدال مهم من، نقره کشوری بود. سال گذشته در تهران، در وزن

صدرا تصور نمی کرد روزی که برای همراهی دو برادر کوچکش به مجموعه ورزشی کارگران می رود. تصمیم جدیدی در زندگی اش بگیرد. محمد علی پیله ورنو جوان هفده ساله ساکن محله ارشاد، وقتی تمرینات کیک بوکسینگ برادرهایش را از گوشه سالن تماشا می کرد. آرام آرام جذب این رشته شد و تصمیم گرفت خودش هم وارد میدان شود. تصمیمی که بعد ها او را به سکوی قهرمانی مشهد و رقابت های کشوری رساند.

محمد علی در کنار ورزش، کار آزاد هم می کند تا مستقل باشد و بتواند هزینه های تمریناتش را خودش تأمین کند. او رؤیای ادامه تحصیل در رشته تربیت بدنی و تبدیل شدن به مربی حرفه ای این رشته را در سر دارد.

● چه مدت است کیک بوکسینگ را دنبال می کنی؟

از تابستان دو سال پیش که برادرهای کوچکم را عصرها برای کیک بوکسینگ به مجموعه ورزشی کارگران می بردم و برمی گرداندم. معمولاً وقتی آن ها تمرین داشتند، من در گوشه سالن می نشستم و تماشا می کردم. بعد از چند جلسه احساس کردم واقعا به این رشته علاقه دارم و ثبت نام کردم. نکته جالب این است که برادرهایم بعد از چند ماه دنبال رشته کشتی رفتند، اما من کیک بوکسینگ را جدی تر ادامه دادم.

● چه چیزی در این رشته ورزشی برایت جذابیت داشت؟

کیک بوکسینگ برای من یک ترکیب جذاب از کاراته و بوکس است. هم مهارت های دفاع

منفی ۵۵ کیلوگرم ورده نوجوانان شرکت کردم. پنج مبارزه داشتم و در مسابقه آخر، فقط به حریفی باختم که تجربه بیشتر و رتبه بالاتری از من داشت.

مدال دوم مربوط به چند ماه پیش است؛ مسابقات استانی مشهد. در همان وزن و همان رده سنی شرکت کردم و خوشبختانه توانستم مدال طلای استان را به دست بیاورم.

● در هفته چقدر تمرین می کنی؟

هفته ای سه روز در سالن تمرین دارم. علاوه بر آن، شب ها دور فضای سبز ششصد دستگاه، تمرینات مقاومتی و دو انجام می دهم.

● تا به حال کسی را به این رشته دعوت کرده ای؟

بله، چند نفر از بچه های محله باتشویق من وارد این رشته شدند و حالا بعضی هایشان مدال هم گرفته اند. یکی از اقوامان هم باتوصیه من در این رشته ثبت نام کرد و در باشگاه همیشه حمایتش می کنم.

● آیا فعالیت دیگری هم داری؟

بله، شاغل هستم و کارهای تأسیساتی انجام می دهم. برایم مهم است که استقلال مالی داشته باشم و هزینه کلاس ها و تجهیزات ورزشی ام را خودم پرداخت کنم.

● برای آینده چه برنامه ای داری؟

تصمیم دارم برای دانشگاه، رشته تربیت بدنی را انتخاب کنم. هم به تدریس علاقه دارم و هم دوست دارم مربی حرفه ای کیک بوکسینگ شوم. در کنار این ها، هدفم قهرمانی کشور و حضور در مسابقات بین المللی است.



زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ایتارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه یک، هزار جلد کتاب به کتابخانه زندان مشهد اهدا کردند

یار مهربان درکنار مددجویان



طب سنتی، پرورش گیاهان آپارتمانی رایاد بگیرند. مریم بیست و پنج ساله که به خاطر مشکل مالی بیست ماه است در زندان به سر می‌برد، می‌گوید: جوان‌ها اغلب کتاب‌های رمان را می‌پسندند و دوست دارند که زمانشان را با خواندن این کتاب‌ها بگذرانند.

به‌ویژه کتاب‌های آموزشی و روان‌شناسی. برخی از هم‌بندانم هم به کتاب علاقه دارند و اوقاتشان را با آن می‌گذرانند. او ادامه می‌دهد: بسیاری از مددجویان دوست دارند در این فضا از فرصتشان استفاده کنند و نکات آموزشی مانند انواع هنرها، مباحث آموزشی مانند

کتاب‌اهدای کرد تا در دسترس عموم قرار بگیرد. اما امسال بنا را بر این گذاشتیم تا کتاب‌ها را به زندانیان اهدا کنیم که فرصت بیشتری برای مطالعه دارند. مسئول فرهنگی زندان مشهد نیز ضمن قدردانی از طرح‌های فرهنگی برای مددجویان زندان می‌گوید: یک پنجم زندانیان اهل کتاب و مطالعه هستند و به صورت امانی کتاب را از کتابخانه زندان دریافت می‌کنند.

مرضیه عزالدین ادامه می‌دهد: بیشتر مددجویان کتاب‌هایی با محتوای انگیزشی، روان‌شناسی، بهداشت، آموزشی، هنری و رمان را دوست دارند و این موضوعات طرفداران بیشتری دارد. نرگس شصت ساله که به خاطر مشکل مالی چهارده ماه است در زندان به سر می‌برد، تعریف می‌کند: بهترین سرگرمی من در اینجا کتاب است.

صفائی هفته گذشته، به همت اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه یک و با همراهی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری این منطقه و نهاد کتابخانه‌ها، پویش «نوری در بند» در زندان مشهد اجرا شد.

یک پنجم مددجویان زندان مطالعه می‌کنند

در این پویش، هزار جلد کتاب از سوی ساکنان محلات منطقه به‌ویژه اهالی محله ارشاد و کتابخانه هجرت تهیه و به زندان مشهد اهدا شد. معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک در این باره توضیح می‌دهد: هر ساله به مناسبت هفته کتاب و کتاب‌خوانی، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه به‌نانهایی، با بوستان‌ها و مدارس



خیابان دانشگاهی‌ها

صدرا کوچه شهید کلاهدوز ۲۸ از سمت دیگر به معبر شهید اسفندیانی ۴ می‌رسد و در محله گوهرشاد قرار دارد. این معبر نیز مثل سایر خیابان‌های فرعی بولوار کلاهدوز در ابتدای نامی ندانیت و بعد از شهادت یوسف کلاهدوز قائم مقام سپاه، در سال ۱۳۶۰ به نام شهید نام‌گذاری شده است. وجود مؤسسه آموزش عالی فردوس، این کوچه را به یکی از معابر اصلی و پررفت و آمد بولوار کلاهدوز تبدیل کرده است.

کلاهدوز ۲۸ محله گوهرشاد



مؤسسه آموزش عالی فردوس سال ۱۳۸۴ و با کسب مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فعالیت خود را در مشهد آغاز کرد. این مؤسسه با نگاهی نوبه‌شیوه‌های تدریس در صدد است سطح علمی دانشجویان را ارتقا دهد. از جمله رشته‌های این مؤسسه می‌توان به ارتباط تصویری (گرافیک)، سینما و ادبیات نمایشی، پژوهش هنر و هنر اسلامی، تصویرسازی، چندرسانه‌ای، حسابداری اشاره کرد.



در ابتدای این خیابان، زمین بایری متعلق به اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی قرار دارد که دورتادورش را فانس فلزی کشیده‌اند. با این حال هنوز هم درون آن زیاله دیده می‌شود و برای ساکنان این‌جا مزاحمت‌هایی ایجاد کرده است. ساکنان این محدوده با توجه به کمبود فضای ورزشی تقاضا دارند که این زمین به محلی برای ورزش تبدیل شود. در حال حاضر بخشی از این زمین تبدیل به پارکینگ مؤسسه آموزش عالی فردوس شده است.



موسی و حبیب سنجیده، دو برادر نانواهستند که از ۴۵ سال پیش به این محله آمده و این نانواایی سنگک را راه‌اندازی کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند روزگاری که به اینجا آمده بودند، تعداد انگشت شماری خانه در این محدوده ساخته شده بود.